

مشهور صوفیه بوده‌اند. در کتاب «نفحات الانس» آمده است که: «اوحد الدین کرمانی از مشایخ بزرگ قرن هفتم و از نادران دوران بود. چون در سماع گرم می‌شد، پیراهن امردان چاک می‌کرد و سینه به سینه ایشان باز می‌نهاد.»^(۹)

گفتنی است که این عمل زشت به هنگام سماع رواج بسیار داشت. روزبهان بقلی شیرازی می‌نویسد: «در مجمع سماع به جهت ترویج قلوب، به سه چیز احتیاج است: روایح طیبه، وجه صبیح (صورت زیبا) و صوت ملیح.»^(۱۰)

چنانکه اوحد الدین کرمانی می‌گوید:
بی آب بود سماع کان بی ساز است
آتش در زن به هر کجا غماز است
باد است سماعی که در او شاهد نیست
خاکش به سر هر که نه شاهد باز است^(۱۱)

۹. نفحات الانس، ص ۵۸۸.

۱۰. اوراد الاحیاء، ص ۲۰۷.

۱۱. سماع، عرفان، مولوی، ص ۴۹.

پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب

عقاید و اندیشه‌های متصوّفه (۳)

سماع، اعتذار ابلیس و شاهدبازی



www.adyannet.com

سماع، اعتذار ابلیس و شاهدبازی

فرق ضاله صوفیه با ایجاد بدعت در تکالیف دینی، اعمال ناشایستی همانند رقص و پایکوبی و حرکات موزون بدن، همراه با شعرخوانی و ساز و آواز، تقدیس ابلیس و شاهد بازی را وارد تصوف کرده و به بهانه ایجاد حال و وجد صوفیانه اقدام به برگزاری مجالس سماع و شاهدبازی در خانقاه می‌نمایند.

برخی از بزرگان این فرقه کار را به جایی می‌رسانند که سماع را جایگزینی برای عبادت روزانه مانند نماز معرفی نموده و خویش را معاف از خواندن نماز دانسته و ابلیس را سیدالموحّدین خطاب می‌کنند. برخی از اهل تصوف آنقدر در این بدعتها و کارهای مخالف دین پیش رفته اند که بعضی دیگر از آنها برای حفظ حیثیت خود، به بیان تعارض آشکار چنین اعمالی با شریعت و مخالفت جدی خویش با اعتذار ابلیس، سماع و شاهد بازی پرداخته اند؛ اما با این همه فصاحت، دیگر آبرویی برای این فرقه منحرف

باقی نمانده است.

سماع

در لغت، سماع یعنی شنیدن صدای خوش. صاحب لسان العرب می‌گوید: سماع، هر آواز خوشی است که گوش از آن لذت ببرد.^(۱) ثعالبی در این باره می‌گوید: هر صوت زیبا که شنیده شود، سماع نام دارد.^(۲)

اما سماع در اصطلاح، شعرخوانی همراه با ساز و آواز و حرکات موزون بدنی (پایکوبی و دست‌افشانی) به منظور ایجاد حال و وجد صوفیانه را گویند. صوفیان به هنگام سماع در خانقاه به صورت دایره‌وار جمع شده، از آلات موسیقی استفاده کرده و آواز می‌خوانند و در نهایت، از خود بی خود می‌شوند.

ابزار سماع، طبل، دف، نی و رباب (شبهه طنبور) است.

در خصوص پیشینه سماع باید گفت که در اوایل تصوف خبری از آن نبود؛ ولی از نیمه دوم قرن سوم این موضوع مطرح گردید. این که از موسیقی یونانی بوده یا از آیین میترا، اطلاع دقیقی در دست نیست.^(۳) در کتاب‌های اولیه تصوف نیز در مورد سماع مطالبی آمده

۱. لسان العرب، ذیل واژه سماع، ص ۱۶۵.

۲. فرهنگ اشعار حافظ، ص ۲۶۵.

۳. احیاء علوم الدین، ج ۲، ص ۵۸۵.

است، از جمله در آثاری همچون: اللمع، قوت القلوب ابوطالب مکی و رساله قشیریه. مهم‌ترین مروّجان و اساتید سماع، ابوسعید ابوالخیر، احمد غزالی، روزبهان بقلی، اوحد الدین کرمانی، و بهاء ولد فرزند مولوی بوده‌اند.

دیدگاه‌های صوفیه در مورد سماع

۱. افراطیون

این گروه تعدادی از بزرگان صوفیه هستند که به شدت شیفته سماع بوده و آن را یکی از برترین اعمال یا حتی بهترین عمل نزد خداوند می‌دانند. جلال الدین بلخی، شمس، فخرالدین عراقی، اوحد الدین کرمانی و روزبهان بقلی شیرازی از این دسته‌اند.

نجم الدین کبری می‌نویسد: «شیخ جنید بغدادی در سماع حاضر بود و سماع در نمی‌گرفت. شیخ فرمود: بنگرید که هیچ عامی (منظور غیر صوفی) در میان ما هست؟ نیافتند و ... شیخ فرمود: بهتر طلب کنید! چون طلب کردند، کفش عامی با کفش صوفی عوض شده بود و به این دلیل در نمی‌گرفت.»^(۴)

۲. غیر افراطیها

این دسته اگر چه سماع را مستحب و قرب‌آور

۴. اندر غزل خویش نهران خواهم گشتن، ص ۲۳.

می‌دانند و نوعاً هم خودشان اهل سماع بوده‌اند، اما به اندازه گروه اول دیدگاه افراطی ندارند. علاء الدوله سمنانی، عزالدین محمود کاشانی، عزیزالدین نسفی، محمد غزالی و هجویری از این گروه‌اند.

۳. مخالفین سماع

این گروه در بین متصوفه اندک هستند؛ اما با سماع مخالفت جدی داشته‌اند. بهاء الدین نقشبند، محی الدین عربی و احمد جام از این دسته‌اند. محی الدین عربی در رساله «روح القدس فی محاسبه النفس» ذیل بحث سماع می‌نویسد: بعد از مراسم پر هیاهوی سماع، به یکدیگر به جهت اعمال خود تهنیت می‌گوییم؛ در حالی که فرشتگان در ملاً اعلیٰ^۴ به ما به موجب از دست دادن دین و عقل خود (به واسطه سماع) تسلیت می‌گویند.» وی سپس می‌نویسد: «ای نفس! به جهت این اعمال از خدا حیا نمی‌کنی. تو در طول شب و (در حال سماع) در تسخیر و قبضه شیطان بودی و بازیچه دست او، با این همه، تو ذوق می‌کردی و لذت می‌بردی.»

بعد تصریح می‌کند: «از همه بدتر و از هر مصیبتی بزرگ‌تر و از هر فاجعه‌ای سنگین‌تر و از هر دردی جانکاه‌تر این‌که در این حال ادعا می‌کردی که من با خدا و در خدا بودم و به خدا برخاستم و در خدا شطحیات بر زبان راندم.»

او همچنین در رساله شاهد می‌نویسد: «رقص و پایکوبی لایق حضرت حق نیست؛ شهود حق متوقف بر هیبت است و هیبت موجب سکون و آرامش می‌شود؛ نه حرکت و جنبش.»

بعد می‌گوید: «رقص کنید و بدانید که تنها رقاصید و بدانید که هنوز در مرحله نفسانیات باقی هستید. هر کس در سماع جَسّت و خیز کند و مدعی شود که شهود خدا کردم و خدا من را به خود نمود، پس دروغگو است.»^(۵)

به هر حال، آنچه مسلم است این است که به دلایل گوناگون اسلام این عمل را نمی‌پذیرد و با آن مخالف است؛ چنان‌که علمای شیعه نیز حکم به حرمت سماع داده‌اند.

اعتذار ابلیس یا حبّ شیطان

یکی دیگر از عقاید ناپسند فرقه‌های منحرف صوفیه حب شیطان یا اعتذار ابلیس است. اولین شخصی که در تصوف، به دفاع از شیطان پرداخت، حلاج است. او دلیل سجده نکردن شیطان بر آدم را شدت توحید او معرفی نمود. حلاج می‌گوید: «موسی با ابلیس در عقبه طور به هم رسیدند. موسی گفت: چه منع کرد تو را از سجود؟ ابلیس گفت:

۵. رساله شاهد، ص ۴.

دعوی من معبود واحد را و اگر سجده کردمی آدم را مثل تو بودمی؛ زیرا که تو را ندا کردند و یکبار گفتند: «أنظر الی الجبل»^(۶) بنگریدی (فوری برگشتی) و مرا ندا کردند هزار بار «اسجد لآدم» و سجده نکردم.^(۷)

و یا می‌گوید: «صاحب من و استاد من، ابلیس و فرعون است. به آتش بترسائیدند ابلیس را، از دعوی خود بازنگشت. فرعون را به دریا غرق کردند و از دعوی باز نگشت. فرعون از روی کشفی که از خدا پیدا کرده بود، ادعای ربوبیت کرد.»^(۸)

بعدها کار به جایی رسید که ابوالقاسم گورکانی از سران متصوفه، شیطان را «سید الموحدین» نامید. درحالی که خداوند متعال در قرآن کریم آن موجود پلید را از درگاه الهی رانده و مطرود درگاه خداوند دانسته است. بعلاوه همگی مفسران قرآن کریم امر به سجده بر آدم را سجده تعظیم بر مقام انسان دانسته‌اند نه سجده عبودیت در برابر انسان.

شاهد بازی

یکی دیگر از انحرافات متصوفه، شاهد بازی است. اوحد الدین کرمانی و ابوحنبلان دمشقی، از شاهدبازان

۶. سوره اعراف/ ۱۴۳.

۷. شرح شطحیات، ص ۵۸.

۸. الطوامیس، ص ۵۱.